

توضیحات

۱- این مقدمه برای اولین بار تحت عنوان "نود سال از بیانیه کمونیست"، بزبان انگلیسی در فوریه ۱۹۳۸، در مجله نیو اینترنشنال به چاپ رسید.

۲- انجمن کمونیست **The Communist League**- اولین سازمان کمونیستی بین المللی پرولتاریا، توسط مارکس و انگلس بنیان گذاری شد. و از ۱۸۴۷ تا ۱۸۵۲ پا بر جا بود.

۳- اشاره به انقلاب فوریه ۱۸۴۸ در فرانسه.

۴- جمهوریخواه سرخ Red Republican- هفته نامه ی چارتیستی که از ژوئن تا نوامبر ۱۸۵۰ توسط جورج ژولین هارنی، در لندن منتشر می شد. این نشریه در شماره های ۲۴- ۲۱ نوامبر ۱۸۵۰، خلاصه ای از بیانیه ی کمونیست را به چاپ رسانید.

۵- اشاره به قیام قهرمانانه ی ۲۶- ۲۳ ژوئن ۱۸۴۸ که با نهایت سببیت توسط بورژوازی فرانسه سرکوب شد. این قیام اولین جنگ داخلی عظیم بین پرولتاریا و بورژوازی بود.

۶- سوسیالیست Le Socialiste- مجله ای هفتگی بود که از اکتبر ۱۸۷۱ تا ماه مه ۱۸۷۳ بزبان فرانسه در نیویورک منتشر می شد. این نشریه ارگان بخش های فرانسوی اتحادیه آمریکای شمالی بین الملل **ederation of the International North American** بود. پس از کنگره هاگ **Hauge Congrss** این نشریه از بین الملل جدا شد. ترجمه ی فرانسوی بیانیه در شماره های بین ژانویه و مارس ۱۸۷۲ سوسیالیست به چاپ رسید.

۷- کمون پاریس ۱۸۷۱- حکومت انقلابی طبقه کارگر بود که از ۲۸ مارس تا ۲۸ ماه مه ۱۸۷۱ قدرت را در دست داشت و اولین تجربه تاریخی را برای دیکتاتوری پرولتاریا فراهم آورد. این عبارت به انقلاب پرولتاریائی ۱۸ مارس ۱۸۷۱ و دوران

دیکتاتوری پرولتاریائی پس از آن نیز اطلاق شده است. جنگ داخلی در فرانسه، تاریخ کمون پاریس و خصوصیات اساسی آنرا مشروحاً بررسی می کند.

۸- محاکمه کمونیست های کلنی (چهارم اکتبر تا ۱۲ نوامبر ۱۸۵۲)- دادگاه قلابی که توسط حکومت پروس برای یازده نفر از اعضای انجمن کمونیست، تشکیل شده بود. این دادگاه براساس اسناد و مدارک جعلی، هفت نفر از متهمین را بجرم خیانت، به سه تا شش سال زندان محکوم کرد. این دسیسه چینی حکومت پلیسی پروس علیه جنبش کارگری جهانی، توسط مارکس و انگلس افشاء شد.

۹- اشاره به قیام ژوئن پاریس در سال ۱۸۴۸ (رجوع شود به یادداشت شماره ۵).

۱۰- این مقدمه در اول مه ۱۸۹۰ توسط انگلس نوشته شد. در این روز بر طبق تصمیم کنگره پاریس "بین الملل دوم" (ژوئیه ۱۸۸۹)، تظاهرات توده ای، اعتصابات و جلسات، در چند کشور اروپائی و آمریکا برگزار شد. کارگران خواسته ی ۸ ساعت کار در روز و سایر خواسته های مطروحه در کنگره را پیش نهادند. از آن زمان به بعد، اول ماه مه، بعنوان روز همبستگی بین المللی پرولتاریا، توسط کارگران همه ی کشورها جشن گرفته شد.

۱۱- اشاره به تفحصات بزرگ استعمارگرانه لردهای فنودال، سرکردگان قشون و بازرگانان ایتالیائی اروپا به شرق است که در قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی تحت لوای مذهبی پس گرفته زیارتگاه های اورشلیم و سایر "اماکن مقدسه" از مسلمانان صورت گرفت. جنگ های صلیبی از کلیسای کاتولیک و پاپ که در جستجوی سیطره ی جهانی بود الهام می گرفت و توسط آن توجیه می شد و سرکردگان قشون نیروی اعظم جنگنده آنرا تشکیل می دادند. دهقانی که در صدد رهائی از یوغ فنودالی بودند نیز در جنگ های صلیبی شرکت کردند. اینان در طول گذار خود از کشورهای مختلف، جماعات مسلمان و نیز مسیحی این کشورها را از چپاول و خشونت مصون نگذارند. هدف آمال چپاولگرانه آنان، نه تنها دول اسلامی سوریه،

فلسطین، مصر و تونس، بلکه امپراطوری اورتدکس روم شرقی هم بود. اما فتوحات آنان در مدیترانه شرقی دیر پا نبود و بزودی توسط مسلمانان پس رانده شدند.

۱۲- مارکس و انگلس در آثار بعدیشان به جای "ارزش کار" و "قیمت کار" از عبارت دقیق تر "ارزش نیروی کار" و "قیمت نیروی کار" استفاده کردند.

۱۳- اشاره شود به انقلاب بورژوائی فرانسه در پایان قرن هجدهم.

۱۴- اشاره به نهضت اصلاح قانون انتخاباتی است که تحت فشار مردم در سال ۱۸۳۱ در مجلس عوام تصویب شد و سرانجام در ژوئن ۱۸۳۲ مجلس لردان بر آن صحه گذاشت. این اصلاح بر علیه انحصار سلطه ی اشرافیت مالی و زمیندار متوجه شده بود و راه پارلمان را بروی نمایندگان بورژوازی صنعتی باز کرد. پرولتاریا و خرده بورژوازی که نیروی اصلی مبارزه برای اصلاح قانون انتخاباتی را تشکیل می دادند فریب بورژوازی لیبرال را خوردند و حقوق انتخاباتی بدانان اعطاء نشد.

۱۵- تجدید سلطنت ۱۶۸۹-۱۶۶۰- دومین دوران حکومت سلسله استوارت Stuart در انگلستان است. انقلاب بورژوائی انگلستان در قرن هفدهم به نخستین دوران حکومت این سلسله خاتمه داد.

تجدید سلطنت ۱۸۳۰-۱۸۱۴- دومین دوران سلطنت سلسله بوربون Bourbon در فرانسه است، رژیم ارتجاعی بوربون ها که از منافع نجبا و کلیسا دفاع می کرد توسط انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ برانداخته شد.

۱۶- لژیتمیست ها Legitimists- طرفداران سلسله ی مشروع بوربون بودند و در مبارزه اشان علیه سلطنت سلسله اورلنن Orleans (۱۸۴۸- ۱۸۳۰)، که بر اشرافیت مالی و بورژوازی بزرگ متکی بود، بخشی از لژیتمیست ها به عوام فریبی اجتماعی توسل جستند و در مقابل استثمار بورژوازی، خود را به عنوان حامی کارگران قلمداد کردند.

۱۷- "انگلستان جوان" Young England- گروهی از محافظه کاران انگلیسی- دست اندرکار سیاست و ادبیات- بود که در اوائل دهه ۱۸۴۰ تشکیل شد. این گروه که

نارضایتی اشرافیت زمیندار را در مقابل قدرت اقتصادی و سیاسی روز افزون بورژوازی منعکس می کرد، در عین حال به ریاکاری عوام فریبانه متوسل می شد تا بدینوسیله طبقه کارگر را تحت سیطره ی خود در آورد و از آن به عنوان ابزاری علیه بورژوازی استفاده بکند.

۱۸- حکومت اربابی Junkerdom و یا Squirearchy- در معنای خاص خود به اشرافیت زمیندار در پروس شرقی و در معنای عام، به طبقه ای از زمینداران آلمان اطلاق می شود.

۱۹- اشاره به انقلاب بورژوا-دموکراتیک ۱۸۴۹-۱۸۴۸ در آلمان.

۲۰- مارکس و انگلس دو کلمه ی New Jerusalem یعنی بیت المقدس جدید را بکار می برند که با سنت مسیحی مترادف بهشت است. ما با سنت اسلامی New Jerusalem را به "جنات عدن" ترجمه کرده ایم. (مترجم)

۲۱- چارتیسم Chartism- نهضت سیاسی کارگران انگلیسی در دهه سی تا نیمه دهه ی پنجاه از قرن نوزدهم که در نتیجه شرایط دشوار اقتصادی و فقدان حقوق سیاسی کارگران ظاهر گشت. شعار نهضت مبارزه برای اجرای "منشور مردم" People,s Charter بود. "منشور مردم" شامل خواسته ی حق انتخاب عمومی و مواد دیگری بود که این حق را برای کارگران تضمین می کرد. به گفته ی لنین چارتیسم "اولین نهضت انقلابی پرولتاریائی گسترده، واقعاً توده ای و از نظر سیاسی سازمان یافته" بود. (لندن، مجموعه آثار، جلد ۲۹، چاپ مسکو ۱۹۶۵، صفحه ۳۰۹)

۲۲- اشاره به جمهوریخواهان دموکرات خرده بورژوا و سوسیالیست های خرده بورژوائی است که طرفدار روزنامه رفرم La Reforme بودند. آنان خواستار جمهوری و اصلاحات دموکراتیک و اجتماعی بودند.

۲۳- رفرم La Reforme- روزنامه ی فرانسوی که از سال ۱۸۴۳ تا ۱۸۵۰ در پاریس منتشر می شد.

۲۴- در فوریه ۱۸۴۶ در سراسر سرزمین لهستان برای قیامی جهت کسب آزادی ملی تدارک چیده می شد. دموکرات های انقلابی لهستانی (دابروفسکی Dabrowski و دیگران) ملهمین اصلی قیام بودند. اما به علت خیانت بخشی از اعیان لهستان و دستگیری رهبران قیام توسط پلیس پروس، تنها طغیان های پراکنده صورت گرفت. تنها در کراکو Cracow که از سال ۱۸۱۵ به بعد مشترکاً توسط اتریش، روسیه و پروس اداره می شد، قیام کنندگان در ۲۲ فوریه پیروزی بدست آوردند و یک حکومت ملی برقرار کردند. این حکومت با صدور اعلامیه ای خدمات اجباری برای اربابان فنودال را منسوخ کرد. قیام کراکو در اوائل مارس ۱۸۴۶ در هم شکسته شد. در نوامبر ۱۸۴۶، اتریش، پروس و روسیه عهدنامه ای منعقد کردند که بر طبق آن کراکو به امپراطوری اتریش ملحق شد.

بازنویس: یاشار آذری